

آیا انقلاب از نو آغاز میشود ؟

عوامل کودتای مصر را بشناسیم



قسمت سوم :

محمد امین فروتن

در دؤمین قسمت این یادداشت خاطر نشان ساختیم که هرگاه از کودتا گران در مصر یا هر کشور دیگری در این کرهء خاکی زمین سخن میگوئیم نباید تنها به یاد جنرالان و خورد ظابطان ملبس به لباس های نظامی و یونیفورم های ابلهی افتاد که می خواهند غریزه های از شهرت و قدرت خویش را با آب کثیفی از کودتا شستشو نمایند بلکه باید حوزه هویت کودتا گران را وسیعتر ساخت و دستهای آلوده کودتا گران را در مراکز و جا های دیگری نیز دید و به سراغ آنها رفت . چنانچه در قسمت اول این یادداشت در حواشی کودتای نظامیان در مصر دربرابر دولت منتخب مردم مصر نیز متذکرشده ایم و به یک اتحاد معجون گونه ای اشاره نمودیم که فقط اسم و جایی فرعون خالی است اکنون با گذشت تقریباً سه هفته ای که از عمر این نوزاد کریه الجثه سپری میشود و ماه عسل این کودتا گران روبه اختتام است آثار و عوارض جانبی کودتای نظامی در مصر نیز به مثابه جراثیم مهلکی از خشونت آرام ، آرام بر بدن استبداد زده ملت سرافراز مصر ظاهر میگردند . و میبینیم که آش کودتای اخیر را تنها یک یا دو آشپز نیست که می پزد. از آنکه زیر دیگ کودتا را آتش میزند تا آنکه نخودی در آش می اندازد هر کدام سهمی در کودتا دارند . تنها جنرال عبدالفتاح السیسی نیست که کودتا چی هست بلکه در وضعیت پیچیده کنونی مصر و مؤقیعت حساس این کشور در خاور میانه فرد ، فردی از غارتگران ور شکسته تاریخ مصر یک کودتا چی است ، سود جویان چپاولگر ، بقایای رژیم های دیکتاتور گذشته که ابزار اقتصادی و فرهنگی حتی مذهبی را در اختیار دارند و با سر انگشتی و اشاره قواعد بازی را تغییر میدهند ، قیمت ها را کمرشکن میکنند ، پمپ های بنزین را می بندند ، بدون تردید که ضلع مهمی از کودتا به حساب می آیند لهذا به برکت وجود این حضرات است که کودتای خزنده در کشور باستانی مصر عملی میشود و بعد با یک طرح ضربتی سقوط دولت منتخب مردم مصر برهبری محمد مرسی اعلام میگردد .

شگفت اینجا ست که در جامعه سنتی مصر همینها بزرگترین پایگاه ضد انقلاب ۲۵ جنوری ۲۰۱۱ را نیز تشکیل میدهند این به اصطلاح آرتشی از معتادان « سیأ » سی است که به مثابه شبکه های معلوم

الحال ارتباطی میان تمامی هسته های دیکتا توران تاریخ مصر شناخته میشوند و کار تا به آنجا جدی شده که میبینیم این شکمبارگان تاریخ و پادو های وابسته به مافیائی بین المللی بروز روشن از دیکتاتورهای جبار و فراعنه صفت مصر به دفاع بر میخیزند که بنابر تحلیل روزنامه واشنگتن پست که درباره وضعیت کنونی مصر نوشت « فضای کنونی مصر آشنا و به دوران حسنی مبارک می ماند » این همان معادله قدرت رژیم های دیکتاتوری قبل از انقلاب ۲۵ جنوری است که تمامی وابسته گان محافظه کار با رژیم های گذشته البته در جامه انقلابیون و تحوّل طلبانی که با موضعگیری های چپ تر و مترقی تر در صحنه حاضر میشوند . البته در جمع این کودتا گران نباید از نیروهای متحجر مذهبی در کسوت حزب سلفی بنام نورکه فرمان سقوط دموکراسی در مصر و دولت برخاسته از آن برهبریی محمد مرسی را از همان آغاز کار دولت منتخب جدید با راه اندازی عملیات ماجرا جویانه در صحرای سینا با بزرگترین چالش ها روبرو ساخت غافل شد و باید گفت که باتوجه به ارتباط تشکیلاتی برخی از سران این گروه با اخوان المسلمین مصر که ریشه در تاریخ نهضت بزرگ اخوان المسلمین مصر دارد بیشترین بار فکری مشروعیت کودتا گران نیز بدوش ایندسته ای از کودتا گران مذهبی افتیده است . زیرا این جماعت نه تنها پول های بی حساب نفتی کشور عربستان را که در حساب های شخصی خویش ذخیره میکنند در اختیار دارند و آنرا در اقصای عالم از افغانستان تا مراکش در راه آدم کشی به مصرف میرسانند ، بلکه در کنار اُسقف مذهبی قبطیان – شیخ الازهر و آقای محمد البرادعی برندهء جائزه صلح نوبل با مشروعیت بخشیدن به این کودتای نظامی بزرگترین پایگاه تبلیغاتی و سمپاتی علیه دولت نو پای محمد مرسی به شمار می آیند . گفتیم مصر باستانی در نتیجه کودتای اخیر آرام ، آرام به شرائط قبل از انقلابی که در سرتاسر خاورمیانه بهار عربی نامیده شد باز میگردد باید گفت که انتصاب کمال الجنزوری بحیث مشاور عالی رژیم کودتائی نگرانی های مشابه دوران قبل از بهار عربی را به وجود آورد که در آن زمان نیز اعلام خبر انتخاب الجنزوری به سمت نخست وزیری مصر اعتراض بسیاری از ائتلاف ها و تشکل های مصری از جمله جنبش ششم آپریل که از مهمترین احزاب حاضر در میدان التحریر بشمار می آمد ، حزب الثوره، ائتلاف التیار و بسیاری از شخصیت های سیاسی و انقلابی مصر را در پی داشت، زیرا الجنزوری را از مهره های رژیم گذشته می دانستند.

نقش "ولایت فقیه مطلقه !" در تحولات مصری چالش دو گفتمان سیاسی در تاریخ معاصر

یکی از مغالطه های تاریخی و فلسفی ی که در حوزه شناخت هویت بحرانهای معاصر سیاسی و اجتماعی وجود دارد و دامنگیر تمامی جنبش ها و حرکت های اجتماعی و سیاسی در جوامع بشری بویژه در کشور های جهان سوم و کشورهای اسلامی شده این است که بیشتر بجائی شاخص های فکری و عقیدتی به نقش چهره و شخصیت های تاریخی تمرکز میگردد لهذا طبیعی است که به شعار های آتشین و بدون پشتوانه فکری ارجحیت داده شود و در راستای جستجوی حق نیز بجای مؤلفه چگونه اندیشیدن برظواهر فزیزیکی و بیولوژیکی شخصیت های حقیقی و حقوقی تکیه صورت گیرد . زیرا آنگاه که در مقطع خاص تاریخی و جغرافیای ملت ها سایه شوم این گفتمان معیوب ، بدنه محکم و تنومند نهضت های تحول طلب و عدالت خواهانه را نشانه گیرند و در مسیر تاریخ ملتها به فرهنگ حاکم مبدل شود تمامی پارامتر های شناخت به شمول بیماری های مزمن یک ملت باید در پرتو " خرد جمعی و اجتهادی " تشخیص و معاینه گردد که برای ورود به بحث چگونگی تکامل جوامع بشر ناگزیر باید ایمان و اندیشهء بالقوه ای که موتور اصلی و هسته مرکزی تمامی جنبش های

سیاسی به حساب می آید بحیث ملاک اصلی قضاوت ما و همه پژوهشگران قرار گیرد این ملاک چیز دیگری نیست جز باور به کرامت و حرمت انسان که در گذرگاه تاریخ به حیث جانشین خدا در زمین حرکت میکند و به قله های بزرگی از تکامل نائل می آید، و بدون شک که شرط التزام همه حرکت ها و نهضت های خورد و بزرگ اجتماعی و سیاسی نه بر آنچه که شعار میدهند و بیان میکنند بلکه بر این اصل باید استوار باشد که مؤلفه **حرمت به انسان یا جایگاه جانشینی خدا در زمین** تا چه اندازه به وجدان عمومی در یک تشکیلات سیاسی و اجتماعی مبدل گشته است ؟ اکنون که به دیگر عوامل کودتای مصر اشاره میکنیم بد نیست به سیاست های دو گانه و استراتژیی نظام ولایت فقیه مطلقه ایران در برابر حوادث مصر نیز اشاره ای داشته باشیم . چنانچه ما در دو قسمت نخست به مسأله مشروعیت این کودتا اشاره ای کردیم و اجلاسی را که برای صدور چنین فتوای در یکی از قصرهای مجلل وزارت دفاع مصر برگزار گردیده بود به نام « تنها اسم و جایگاه فرعون خالی بود » مسمی ساخته بودیم هدف از این هویت بخشی نه به دلیل اینکه گویا عده ای از سهم در قدرت دولتی باز مانده بودند و ناگهان غریزه قدرت خواهی شان به جوش آمد و همگام با کودتاگران شدند و فتوای شرعی علیه نظام مشروع در مصر را صادر کردند!! هرگز نه، بلکه به جز « فرعون » که اسم و جایگاهش خالی بود نظام سرمایه داری جهانی و رژیم های سکولار مذهبی در منطقه مانند عربستان ، کویت و امارات با همه اذناب و مهره های شان بصورت مستقیم پیاده کننده گان این کودتای زرد بودند و یا هم بصورت غیر مستقیم مشوق و طراح این کودتا محسوب میشوند تا آنجا که با مهره های مجلس با سکولاریزم مذهبی یا همان گروه های سلفی وارد میدان شدند. البته ارتباط میان شوالیه های مذهبی سلفی و حاملان گفتمان متحجرانه امام زمانی موهوم توسط محمد البرادعی برنده^۱ «جائزه نوبل در تنظیم کودتا ها !!» ارتباط تنگاتنگ برقرار میگردد. بناً نباید از تماس تلفنی اخیر علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه ایران که زمانی مسئولیت نیروهای اتمی در ایران را برعهده داشت و با بر گزیدن محمد البرادعی بحیث معاون امور بین المللی دولت کودتائی در مصر اکثر مقامات دیپلماتیک ایران مغائر با عرف دیپلماتیک نتوانیستند رضایت شانرا از این کودتا پنهان کنند و علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه رژیم ولایت فقیه طی یک تماس تلفنی با مرد شماره دوی کودتای نظامی در مصر انجام این کودتای نظامی را احترام به اراده ملت مسلمان مصر دانیستند . اما داستان ارتباط آقای صالحی با محمد البرادعی را نباید یک ارتباط ساده و معمولی تلقی کرد که گویا یک مقام دیپلماتیک ایرانی با مرد شماره ۲ رژیم کودتائی در مصر غرض حصول اطمینان امنیتی تماس تلفنی برقرار نموده است بلکه ریشه این تماس را باید در دو گفتمان جداگانه جستجو نمود ، گفتمان سکولار مذهبی مبتنی بر دکتورین موهوم امام زمان (عج) که رژیم ولایت فقیه از جنس مطلقه آنرا نمائنده گی میکند و قرنئ انسان مدار اجتهادی و عقلانی دینی که حزب آزادی و عدالت مصر بر هبریی دکتور محمد مرسی که ریشه در نهضت آزادی بخش و ضد استبدادیی اخوان المسلمین مصر دارد و در نتیجه برگزاریی یک انتخابات آزاد و دموکراتیک از سوی ملت مصر به قدرت رسیده بود و با یک کودتای سکولار نظامی مذهبی ساقط شد ..

ادامه دارد

۱ : گفته میشود محمد البرادعی که چندین سال ریاست آژانس بین المللی اتمی را بر عهده داشت از مقامات رژیم ولایت فقیه در ایران پول های زیادی دریافت میکرد .